متن کامل بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان قوه قضاییّه و خانواده های معظّم شهدای هفتم تیر - 7 /تیر/ 1378

بسم اللّه الرحمن الرحیم
در ابتدا به شما برادران و خواهران عزیزی که به این جا تشریف آورده اید - چه مسؤولان و کارگزاران قوّه محترم قضاییّه و چه خانواده ها و بازماندگان شهدای عزیز و عالی قدر کربلای هفتم تیر - خوشامد عرض می کنم.
یك جمله درخصوص این شهدای عزیزی که در ضمن آنها شخصیتهای برجسته انقلاب و کشور بودند و یاد آنها فراموش نخواهد شد - مخصوصاً مرحوم آیةاللّه بهشتی اعلی اللّه مقامه الشّریف - عرض کنیم، و آن این است که این شهدای عالی قدر، شهیدِ راه تحقّق نظام اسلامی و حاکمیت دین خدا شدند. در اوّلِ انقلاب، دو جریان در مقابل هم قرار گرفتند ؛ یك جریان، جریان انقلاب و دین و حاکمیت قرآنی و اسلامی و مبانی دینی و ارزشهای دینی بود - که امام رضوان اللّه تعالی علیه و قاطبه ملت این راه را دنبال می کردند - یك جریان هم جریانی بود که به حاکمیت دین خدا در این کشور راضی نبود. البته بعضی از اینها مردمانی بودند که انگیزه شان ضدیّت با اصل دین بود. بعضی دیگر هم انگیزه شان حمایت از حضور امریکا و قدرتهای بیگانه بود ؛ اما به خودی خود با دین کاری نداشتند. بعضیشان علی الظّاهر متدیّن هم بودند، ولی می دانستند که وقتی نظام و دولتی براساس دین و مبانی دینی بر سر کار باشد، دخالت قدرتهای مستکبر و بیگانه امکان پذیر نیست ؛ این را خوب می فهمیدند. لذا به جای این که در این مسأله و آن مسأله با نظام مباحثه و مجادله کنند، اصل قضیه را مورد سؤال قرار می دادند: چرا باید دین در مسائل جامعه دخالت کند؟ چرا باید متولّیان امور دینی - یعنی علمای دین - اصلاً کاری به کار جامعه داشته باشند؟ چرا باید فقه اسلام که امور زندگی مردم - اعم از دنیا و آخرت - را براساس حکم الهی معیّن می کند، در قانون و جعل قانون و انتخاب مسؤول و امثال اینها دخالت داشته باشد؟ بنابراین، بنا کردند با اصل دین مقابله کردن. می دانستند که تا دین و حاکمیت دینی هست، از هیچ طرف راهی برای دشمن وجود ندارد.
البته من خواهش می کنم که متفکران و صاحب نظران جامعه، این حرف را درست بشکافند که چرا وقتی دین هست، دشمن نمی تواند بیاید؟ یکی به خاطر خودِ احکام دینی و خودِ آیات قرآنی و خودِ قواره نظام اسلامی است که اصلاً اجازه دخالت به مستکبر و ظالم و توطئه گر و غارتگر را نمی دهد ؛ جهت دیگر این است که حالا دولتی که معتقد است نباید به بیگانگان اجازه ورود داد، با چه ابزاری می خواهد هدف خود را محقّق کند ؛ جز با ابزار مردم و اراده های مردم؟ فقط در حاکمیت دینی است که اراده مردم، همراه با عشق، با شور، با ارادت و با اخلاص، همه وجود آنها را در مقابله ی با دشمن بسیج می کند. در غیر نظام دینی، چنین چیزی ممکن نیست. این نکته ی خیلی مهمّی است. راه این که پشتیبانی مردم را از یك نظام جدا کنند، این است که اعتقادات آنها را در دفاعشان دخالت ندهند ؛ بین حضور و اراده و اعتقادات آنها - آن هم اعتقادات دینی - انفکاك ایجاد کنند ؛ که می دانید فرق اعتقاد دینی با اعتقاد حزبی و سیاسی این است که اعتقاد دینی، ایمان است و در آن، عشق و شور هست. به هرحال، اینها با اصل دین مقابله می کردند.
آن جریان اوّل - که جریان انقلاب و جریان دین و جریان اسلام بود - صاحب منطق و صاحب حرف بود و در مقابل غوغاگری جریان مقابل محکم ایستاد. هرکس که در این صف آرایی توان ایستادگیش بیشتر بود، بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت. شما نگاه کنید ببینید در طول آن دو سال و اندی که آن جریانهای مخالف در این کشور خیلی فعّال بودند، علیه چه کسانی توطئه کردند ؛ علیه چه کسانی بدگویی کردند ؛ با چه کسانی در عالم ذهنیّت و مباحثات و مجادلات بیشتر درافتادند؟ با کسانی بیشتر دشمنی می کردند که می دیدند در عالم روشنگریِ افکار مردم، اینها توان بیشتری دارند. بعضیها را با تهمت از میدان خارج می کردند ؛ بعضیها را با تضعیف و اهانت از رو می بردند ؛ لیکن بعضی مثل شهید بهشتی را نمی شد با این چیزها از میدان خارج کرد ؛ آن وقت به این شیوه ترور متوسّل شدند و شهید بهشتی و دیگران را در آن حادثه به شهادت رساندند. بعد هم مرحوم شهید باهنر و شهید رجایی و امثال اینها را

شهید کردند. اینها شهدای هویّت اصلی اسلامی نظامند ؛ چون در مقابل دشمنان ایستادند. خون مطهّر آنها خیلی هم اثر کرد ؛ انصافاً سالهای متمادی مردم را بیدار و آگاه کرد ؛ امروز هم الهام خودش را دارد.
البته آن انگیزه های دشمن، امروز هم هست ؛ دیروز هم بود ؛ فردا هم خواهد بود ؛ دشمن که بی کار نیست. آنچه مهمّ است، این است که جبهه اسلامی، جبهه دینی، جبهه انقلاب، جبهه امام - که به آن جبهه خودی می گوییم - ترفند دشمن را بشناسد ؛ بداند که دشمن چه می کند و چه می خواهد بکند و هدفش چیست. بحمداللّه بزرگان فعّال و صاحب نظرانمان کارهایی می کنند و فعّالیتهای ارزشمندی دارند ؛ لذا امروز هم ارزش این شهدا - چه شهید بهشتی و چه دیگر شهدای این حادثه رضوان اللّه تعالی علیهم - برای مردم معلوم است.
در باب قوّه قضاییّه لازم است چند جمله عرض کنم. اوّلاً از همه برادرانی که در این قوّه زحمت کشیدند، تلاش کردند و این کارهای بزرگ را - که اشاره کردند - انجام دادند، حقیقتاً باید تشکر کرد. کار، خیلی سخت است ؛ بخصوص {P . مقصود رئیس قوّه قضائیه است. P}
وقتی که نقاط قوّت دستگاه، همان چیزهایی است که دشمن روی آنها جنجال می کند! اگر شما ببینید که در این سالهای اخیر، دشمنان در تبلیغات خود، روی چه چیزهای قوّه قضاییّه تکیه کردند و به چه چیزهایی ایراد گرفتند، ملاحظه خواهید کرد که همان چیزها، درست نقاط قوّت قوّه قضاییّه است. هرجا قوّه قضاییّه قاطعیت به خرج داد، دشمن علیه آن به تبلیغات شدید رادیویی و روزنامه ای در اطراف دنیا دست زد. هر جا قوّه قضاییّه در اجرای احکام اسلامی و قوانین پافشاری کرد، دشمن همان جا جنجال خودش را شروع کرد. نقاط قوّت قوّه قضاییّه، همان چیزهایی است که دشمن روی آن تکیه و از آن انتقاد می کند و به آن ایراد می گیرد. بنابراین لازم است حقیقتاً از قضات شجاع و فعّالان قوّه قضاییّه در بخشهای مختلف، تشکر کنیم.
هدف از وجود قوّه قضاییّه این است که مردم در جامعه احساس آرامش کنند ؛ بدانند که اگر کسی به حقوق آنها تجاوز کرد، جایی هست که به آن رسیدگی می کند ؛ بدانند که اگر قویترین اشخاص - حتّی دولت - حقّ کسی را ندیده گرفت، یا خدای ناکرده پایمال کرد، یك دستگاه قضایی وجود دارد که شجاعانه و بی نظر و بی غرض، میدانداری می کند و حق را به حقدار می رساند. اگر توانستید این احساس را در جامعه ایجاد کنید، شما موفّقید. اگر این حالت اطمینان در جامعه به وجود آمد، هیچکدام از این جوسازیها و دشمن گفته ها هم به جایی نخواهد رسید ؛ چون مردم در عمل، حضور و آمادگی قوّه قضاییّه را مشاهده می کنند و رسیدگی و شجاعت و نترسیدن قاضی از تهدید و هوچیگریها را می بینند. هوچیگری، از تهدید هم سنگینتر است ؛ چون هوچیگری، حمله بالفعل است و علیه آبروی قاضی است. اگر مردم دیدند که قاضی بدون اعتنای به این حرفها کار خود را می کند، آن وقت هوچیگریها و لجن پراکنیها هم اثر نخواهد کرد. اگر نتوانستید این غرض اصلی را تأمین کنید، همه آن اشکالات وارد خواهد شد. برای ارزیابی قوّه قضاییّه، باید این معیار را به کار بگیرید ؛ ببینید چه قدر این حالت اعتماد در مردم به وجود آمده است ؛ هر مقدار به وجود آمده است، همان مقدار شما موفّقید. اگر نود درصد، اگر هشتاد درصد، اگر پنجاه درصد و یا اگر ان شاءاللّه یك روز صددرصد این حالت اعتماد به وجود آید، آن وقت قوّه قضاییّه به همان اندازه توفیق پیدا کرده است.
این تمهیداتی که ما انجام می دهیم - از سازماندهی و بقیه چیزها - مقدّمه این است.
نکته دیگر این است که قوّه قضاییّه ما براساس شرع است. اگر براساس شرع نباشد، غلط است ؛ چون نظام، نظام اسلامی است. هر بخشی از این قوّه که شرعی نباشد، موافق با مقرّرات اسلامی قضا نباشد، آن بخش نه مایه افتخار است، نه موجب ثواب است و نه کارگشاست. قضای اسلامی است که کارگشاست. قضای اسلامی است که در آن، از همه مفاسد می شود جلوگیری کرد. این مشکل قضای غربی - که غربیها در فیلمهای تبلیغاتی هم آن را زر و زیور می دهند و آرایش می کنند - نشان داده است که کارایی ندارد. هرکس که اطلاع داشته باشد، می بیند که آن دستگاه قضایی لنگ می ماند و در خدمت ظلم قرار می گیرد. آن دستگاه قضایی که این استعداد را دارد تا در همه شرایط با ظلم مقابله کند، دستگاه قضای اسلامی است. هرچه ممکن است، سعی کنید دستگاه قضا را اسلامی تر کنید.
امیدواریم ان شاءاللّه خدای متعال به شما توفیق دهد و قلب مقدّس ولیّ عصر ارواحنا فداه از همه خشنود و راضی باشد.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته